

یادداشت

تهاجم اسرائیل، خاورمیانه
و بازآرایی نظم جدید منطقه‌ای

محسن شریف خدائی

تحلیگر و روابط بین الملل

در سپتامبر ۲۰۲۵، حمله هوایی اسرائیل به خاک قطر نه تنها یک عملیات نظامی جسورانه، بلکه نقطه عطفی در تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه بود. این حمله که آن ترور رهبران حماس در دوحه اعلام شد، با عبور جنگنده‌های اسرائیلی از آسمان چند کشور عربی و شائبه سوخت‌رسانی، موجی از واکنش‌های دیپلماتیک، رسانه‌ای و مردمی را در سراسر منطقه و فراتر از آن برانگیخت.

قطر، میزبان رهبران حماس و طالبان، طی سال‌های گذشته نقش میانجیگرانه‌ای در بحران‌های منطقه‌ای ایفا کرده است. این نقش آفرینی اغلب با اطلاع و هماهنگی ضمنی با ایالات متحده صورت گرفته و دوحه توانسته در پرونده‌هایی چون مذاکرات طالبان-واشنگتن و آتش‌بس در غزه و مذاکرات ایران و آمریکا، بستری برای گفت‌وگو و دیپلماسی فراهم کند. با این حال، اسرائیل همواره نسبت به این نقش محتاط یا مخالف بوده و حضور رهبران حماس در قطر را تهدیدی امنیتی تلقی کرده است. حمله اخیر را می‌توان تلاشی از سوی تل‌آویو برای بی‌اعتبارکردن این نقش میانجیگرانه و ارسال پیام هشدار به سایر کشورهای میزبان گروه‌های مقاومت دانست. در همین راستا، واکنش ایالات متحده و شورای امنیت سازمان ملل به این حمله نیز تأمل برانگیز بود. بیانیه‌هایی که بدون اشاره مستقیم به اسرائیل صادر شدند، نشان‌دهنده نوعی مماشات سیاسی و محافظه‌کاری دیپلماتیک هستند. این سکوت هدف‌دار، عملاً به مثابه جایزه‌ای سیاسی برای تل‌آویو تلقی می‌شود و پیام ضمنی آن به کشورهای مستقل منطقه، هشدار نسبت به هرگونه نقش‌آفرینی خارج از چارچوب‌های مورد تأیید اسرائیل و غرب است. چنین رویکردی نه تنها مشروعیت نهادهای بین‌المللی را زیر سؤال می‌برد، بلکه به تضعیف اعتماد منطقه‌ای و تشدید شکاف‌های ژئوپلیتیک دامن می‌زند.

هم‌زمان با این حمله، سفر رسمی رئیس‌جمهور اسرائیل، اسحاق هرترزوک، به بریتانیا نیز با واکنش‌های تند داخلی و خارجی همراه شد. ده‌ها نماینده پارلمان بریتانیا، از جمله اعضای حزب کارگر، این سفر را «شرم‌آور» و «غیرقابل دفاع» خواندند. رسانه‌هایی چون ایندپندنت و اسکای نیوز نیز به طور گسترده به اعتراضات پرداخته و هم‌زمانی این سفر با عملیات نظامی را نشانه‌ای از همسویی نگران‌کننده لندن با اقدامات تهاجمی اسرائیل دانستند. این هم‌زمانی، مشروعیت دیپلماتیک بریتانیا را در چشم بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی تضعیف کرده و بر شکاف‌های موجود در سیاست خارجی غرب افزوده است.

در تحولات اخیر، آنچه بیش از همه نگران‌کننده است، نقش فزاینده اسرائیل در هدایت سیاست‌های آمریکا و بریتانیا به سمت بحران آفرینی منطقه‌ای است. تل‌آویو با بهره‌گیری از فضای جنگی و ادبیات امنیتی، موفق شده است واشنگتن و لندن را در مسیر اقدامات تهاجمی خود تا حدی همراه کند؛ مسیری که نه تنها با شعارهای دیپلماسی اقتصادی و ثبات منطقه‌ای از سوی واشنگتن در تضاد است، بلکه آینده خاورمیانه را با بی‌ثباتی و قطبی‌شدن بیشتر مواجه می‌کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، که در سفرهای اخیر خود به منطقه بر توسعه همکاری‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و کاهش تنش‌ها تأکید کرده بود، اکنون با سکوت در برابر حمله به قطر، در دام راهبردهای اسرائیل گرفتار شده و عملاً از ادعای نقش متوازن‌ساز در منطقه فاصله گرفته است.

این رفتارها موجب شده‌اند میان متحدان سنتی آمریکا در منطقه، از جمله قطر، عربستان، امارات و حتی ترکیه، شکاف‌های جدیدی شکل گیرد. برخی کشورها اکنون به دنبال بازتعریف روابط امنیتی خود هستند و به قدرت‌های آسیایی مانند چین و حتی روسیه متمایل شده‌اند. در واقع اسرائیل با نشان دادن غرب به مسیر تقابل، نه تنها بحران را تشدید، بلکه انسجام اردوگاه غربی را نیز دچار فرسایش کرده است.

در سطح منطقه‌ای، ایران و ترکیه هر دو بازیگرانی با ظرفیت‌های خاص هستند که می‌توانند در شرایط خاص، نقش‌هایی در کاهش تنش یا تسهیل گفت‌وگو ایفا کنند. ایران با نفوذ در محور مقاومت و ترکیه با ارتباط هم‌زمان با غرب و جهان اسلام، در برخی پرونده‌ها توانسته‌اند میانجیگری یا موازنه‌سازی محدودی انجام دهند. با این حال نقش آنها در ایجاد نظم پایدار نه قطعی است و نه فراگیر، بلکه وابسته به تحولات داخلی، روابط با قدرت‌های بزرگ و میزان پذیرش منطقه‌ای است. بنابراین ایران و ترکیه را باید بازیگرانی با نقش‌های موقعیتی و مشروط در مسیر شکل‌گیری نظم جدید تلقی کرد، نه معماران اصلی آن.

تحولات اخیر نشان می‌دهد که خاورمیانه در حال گذار از نظم تک‌قطبی تحت رهبری آمریکا به نظامی چندقطبی است؛ نظامی که در آن قدرت‌های آسیایی نیز فرصت حضور و تأثیرگذاری یافته‌اند. در سطح فرامنطقه‌ای، چین بیش از گذشته در موقعیتی قرار گرفته که بتواند به عنوان بازیگری مؤثر در بازآرایی نظم منطقه‌ای مطرح شود. به‌ویژه پس از میانجیگری موفق در توافق ایران و عربستان و گسترش روابط اقتصادی با کشورهای حوزه خلیج فارس. با این حال، پرسش اساسی این است که آیا چین می‌خواهد و می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند؟ سیاست خارجی پکن تاکنون بر اصل «عدم مداخله» و تمرکز بر منافع اقتصادی استوار بوده و ورود به منازعات پیچیده خاورمیانه‌ای با ریسک‌های ژئوپلیتیک همراه است. چین اگرچه ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی لازم را در اختیار دارد، اما هنوز نشان‌های قطعی از تمایل به ایفای نقش امنیتی یا راهبردی در سطحی گسترده‌تر دیده نمی‌شود. در مقابل، روسیه با وجود حضور نظامی در سوریه و برخی تعاملات امنیتی، تاکنون نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات خاورمیانه ایفا نکرده و بیشتر در تلاش برای حفظ جایگاه موجود خود بوده است.

در مجموع، تهاجم اسرائیل به قطر فراتر از یک عملیات نظامی، نقطه آغاز بازتعریف نظم منطقه‌ای فارس و خاورمیانه در آستانه ورود به مرحله‌ای از رقابت‌های چندقطبی، اتحادهای متغیر و دیپلماسی پیچیده قرار دارند. آینده این منطقه به میزان توانایی بازیگران در مدیریت تنش‌ها، بازسازی اعتماد و ایجاد سازوکارهای سیاسی-امنیتی جدید وابسته خواهد بود. در این مسیر، کشورهای منطقه باید بیش از گذشته به فکر ایجاد یک ائتلاف سیاسی-امنیتی مستقل و فراگیر باشند؛ ائتلافی که با محور همکاری میان ترکیه، عربستان سعودی، ایران و مصر با مشارکت سایر کشورهای منطقه، بتواند بنیانی برای ثبات، گفت‌وگو و کاهش وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه فراهم کند. فقط از مسیر هم‌گرایی منطقه‌ای است که می‌توان در برابر بحران‌ها و جنگ‌های تحمیلی ایستادگی کرد و آینده‌ای متوازن‌تر را برای خاورمیانه رقم زد.

وحیده کریمی: با نزدیک شدن به زمان اجرای

مکانیسم ماشه در پرونده هسته‌ای ایران، فضای سیاسی و دیپلماتیک پیرامون این موضوع بیش از پیش ملتهب شده است. یکی از شروط مهم اروپا برای جلوگیری از فعال‌سازی این مکانیسم، توافق ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود که به‌تازگی به دست آمده است. این توافق، هرچند از نگاه دولت و شورای عالی امنیت ملی در چارچوب مصالح کلان کشور و مصوبات قانونی ارزیابی می‌شود، اما با واکنش‌های شدید و انتقادهای تند برخی چهره‌های جریان اصولگرایی و نمایندگان رادیکال مجلس مواجه شده است. درحالی‌که شرط مهم بعدی اروپا، یعنی دستیابی به توافق با آمریکا، همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده و خبری از مذاکرات رسمی یا پیشرفت ملموس در این‌باره نیست، بنابراین پرونده هسته‌ای ایران در پیچیده‌ترین شرایط خود قرار دارد.

هرچند خبرگزاری روسی تاس مدعی شده گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن از طریق واسطه‌ها ادامه دارد، اما ایران به‌وضوح اعلام کرده است که فقط در صورت آماده‌سازی آمریکا برای مذاکره براساس احترام متقابل، خود را برای دیپلماسی آماده خواهد کرد. ایران تأکید دارد که باید حقوق و منافعش رعایت و مورد احترام قرار گیرد. این موضع، نمایانگر میزان عمیق بی‌اعتمادی و حساسیت‌های متقابل میان دو طرف است. در این میان، اظهارات وندی شرمن، معاون سابق وزارت خارجه آمریکا نیز جالب است. او ضمن اشاره به اینکه برنامه هسته‌ای ایران هنوز پابرجاست و آسیب‌هایی که به آن وارد شده کامل نیست، امیدوار است بتوان به دیپلماسی بازگشت.

اما در داخل ایران، تفاهم با آژانس به موضوعی پیچیده و حساس بدل شده است. در پی اعلام این توافق، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با برگزاری جلسه‌ای اضطراری با حضور عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، به بررسی ابعاد این تفاهم پرداخت. عراقچی ضمن تشریح روند مذاکرات که از چندین دور کارشناسی آغاز و نهایتاً در دیدار مستقیم با مدیر کل آژانس در قاهره به تفاهم انجامید، بر این نکته تأکید کرد که اروپا هیچ حق قانونی برای فعال‌سازی

توازن دشوار میان امنیت، سیاست داخلی و تعامل بین‌المللی و حضور عراقچی در مجلس برای کنترل تندروها

از توافق مبهم تا مذاکرات مخفی



بیانیه‌ای منتشر کرد که متن تفاهم را دقیقاً منطبق با مصوبات کمیته هسته‌ای این شورا دانست. این کمیته متشکل از مسئولان ارشد نهادهای ذی‌ربط است و اختیار تصمیم‌گیری در این زمینه را داشته است. بیانیه بر این نکته تأکید داشت که در موضوع حمله به تأسیسات هسته‌ای، ایران پس از تأمین شرایط ایمنی و امنیتی و اخذ نظر شورای عالی امنیت ملی گزارش خود را به آژانس ارائه خواهد داد و هرگونه اقدام عملی باید به تصویب شورا برسد. همچنین اعلام شد در صورت بروز هر اقدام خصمانه، از جمله بازگرداندن قطع‌نامه‌های شورای امنیت، اجرای تفاهم به فوریت متوقف خواهد شد.

این مواضع، گویای آن است که در سطح کلان امنیتی، ایران تمایل به تعامل مشروط و هوشمندانه با آژانس دارد و هم‌زمان خطوط قرمزی قاطع در برابر اقدامات خصمانه غرب ترسیم کرده است. با این حال، ماهیت این توافق نه یک کشایش استراتژیک بلندمدت و نه عقب‌نشینی مطلق، بلکه می‌توان آن را یک «اسلوب امنیتی-سیاسی» دانست که برای خرید زمان و کاهش

مکانیسم اسنپ‌ک ندارد و هرگونه اقدام در این مسیر غیرقانونی محسوب می‌شود. او همچنین گفت همکاری ایران با آژانس پس از مصوبات مجلس و با توجه به شرایط امنیتی جدید باید در قالب چارچوب و مدالیت‌های تازه صورت گیرد و هرگونه بازرسی صرفاً در چارچوب قانون و مصوبات شورای عالی امنیت ملی انجام خواهد شد.

با وجود این، نمایندگان مجلس با پذیرش گزارش وزیر خارجه، به‌شدت بر ضرورت اجرای کامل قانون تعلیق همکاری‌های داوطلبانه با آژانس و رعایت دقیق حقوق ایران تأکید کردند. ابراهیم رضایی، نماینده دشتستان، خواستار شفاف‌سازی جزئیات توافق و حفاظت از امنیت دانشمندان هسته‌ای شد، اما برخی چهره‌های تندروتر، همچون کامران غنیمت‌فرو و حمید رسایی، از توافق انتقاد کرده و خواستار انتشار کامل متن توافق‌نامه و شفافیت بیشتر شدند؛ غنیمت‌فرو تهدید به استیضاح وزیر خارجه کرد و رسایی هشدار داد که روند فعلی ممکن است به تکرار تجربه بگرام منجر شود.

در همین باره، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی

بیم تحریم، امید توافق

با معادلات بعد از احتمال بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت بازگردیم. در این صورت فضا را چگونه می‌بینید؟ آیا اساساً دیگر می‌توان به دیپلماسی و مذاکرات امید داشت؟ چون دو گزاره متفاوت وجود دارد: برخی قائل به این هستند که غرب با این فشار حداکثری به دنبال تکرار سناریوی انزوا سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک دوره اوپاما و با هدف یک توافق جامع در قبال ایران است، اما برخی از یک سناریوی رادیکال می‌گویند که با فشار دیپلماتیک غرب و حمله دوباره اسرائیل به دنبال تحقق سناریوی تغییر رفتار با تغییر رژیم هستند. شما معادلات را چگونه می‌بینید؟

طبیعی است که با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، فشار بر مردم ایران، به‌ویژه اقشار ضعیف افزایش خواهد یافت و تنگناهای اقتصادی بیشتر و گرفتاری‌های معیشتی مردم بغرنج‌تر خواهد شد. هدف آمریکا و سه کشور اروپایی از مذاکره، تسلیم‌کردن ایران به پذیرش خواسته‌های ظالمانه‌شان است. آنها می‌خواهند حتی بدون دادن کوچک‌ترین امتیازی به ایران از جمله رفع تحریم‌ها، ایران را وادار به پذیرش مطامع‌شان کنند. آنها می‌دانند که ایران خواهان جنگ نیست و از صلح و ثبات در منطقه استقبال می‌کند و همواره هم از بروز جنگ اجتناب ورزیده است. بر همین اساس می‌خواهند با بالا نگه داشتن خطر جنگ، ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های غیرقانونی خود کنند. بر همین اساس است که ایران اصولاً مسیر آمریکا و سه کشور اروپایی را تلاش برای بهره‌گیری از دیپلماسی و مذاکره برای نیل به تفاهم نمی‌داند، بلکه آنها فقط می‌خواهند خواسته‌های خود را بر ایران تحمیل کنند و فقط مشکل خود را حل کنند و به واقعیات و مسائل ایران بی‌توجه‌اند.

به همین دلیل است که مذاکرات ایران با غرب همیشه شکستنده بوده است، زیرا آمریکا و اروپا فقط تعهد یک‌طرفه می‌خواهند و در قبال آن برای خود تعهدی قائل نیستند. تفسیر آنها از تغییر رفتار ایران، عمل‌کردن ایران به امیال و خواسته‌های آنان و سکوت در برابر کشتار فلسطینیان توسط اسرائیل است. آنها می‌خواهند بدون اینکه منفعتی برای ایران حاصل شود و تحریم‌ها برطرف شوند، ایران به حرف‌های آنها گوش کند. از سوی دیگر، جنگ ۱۲ روزه نشان داد که تغییر رژیم در ایران آن‌هم با اقدامات ترامپ و نتانیاهو، آمل و آرزویی بیش نیست، زیرا هیچ‌گاه مردم ایران، خواسته‌های ترامپ جنایتکار و اسرائیل خون‌آشام و نسل‌کش را بر استقلال و آزادی خود ترجیح نمی‌دهند.

سؤال آخر، یکی از شروط اروپا برای بازنگرداندن تحریم‌های شورای امنیت ناظر به مذاکرات است و تهران هم از آمادگی برای گفت‌وگو با واشنگتن می‌گوید. اما به نظر می‌رسد که ترامپ به دنبال مذاکره بر سر روند موشکی و منطقه‌ای است. این را شدنی می‌داند و آیا بعد از معادلات جنگ ۱۲ روزه تهران باید به سمت مذاکره بر سر توان موشکی و نظامی برود؟

آمریکا معتقد است که با حمله به فردو و نظراً: تأسیسات هسته‌ای ایران را منهدم کرده است، بنابراین نیازی به مذاکره با ایران در حوزه غنی‌سازی ندارد. به همین دلیل می‌خواهد با مذاکره در باره سایر مسائل، توان موشکی ایران را محدود و حتی از ظرفیت ایران برای جلوگیری از واکنش نیروهای مقاومت علیه اسرائیل استفاده کند تا اسرائیل با خیال راحت به نسل‌کشی و کشتار فلسطینیان در نوار غزه ادامه دهد.

در هر صورت اگرچه ایران همواره از مذاکره و بهره‌گیری از روش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها و حل اختلافات استقبال کرده است، ولی تجربه نشان داده است ترامپ اهل مذاکره واقعی و تعامل سازنده نیست، بلکه به دنبال تحمیل خواسته‌های خود بر ایران است. تجربه مذاکرات هسته‌ای نشان داد آمریکا فقط حرف مذاکره را می‌زند و به دنبال گفت‌وگو برای نیل به تفاهم نیست. آمریکا حتی در حین مذاکره با ایران نیز مبادرت به همراهی در جنگ اسرائیل با ایران و آغاز جنگ با ایران کرد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند بر روی محدودسازی مهم‌ترین دارایی خود که توان موشکی بازدارنده است، به‌سادگی مذاکره کند.

شماره تماس
۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴
۰۲۱۸۸۹۴۲۰۳۵

برای خرید آنلاین کیوآرکد را اسکن کنید

ایران بین دو کودتا
محمّد باقر مصدّق

روایت مسعود
محمّد باقر مصدّق

هوش مصنوعی برای کودکان توسعه‌یابان
محمّد باقر مصدّق

روایت تک‌پاسازی پس از ویروس جهانی
محمّد باقر مصدّق

ساخت مسکن
محمّد باقر مصدّق

روایت توسعه برپای فناوری
محمّد باقر مصدّق

رفیق کلاغ
محمّد باقر مصدّق

روایت فرهنگ
محمّد باقر مصدّق

روایت دارپوش
محمّد باقر مصدّق

آخرین دیپلمات
محمّد باقر مصدّق

روایت والا
محمّد باقر مصدّق

کتاب توسعه
محمّد باقر مصدّق

تاریخ دیدمانی
محمّد باقر مصدّق

روایت محمد سان
محمّد باقر مصدّق

شکاف حکمرانی
محمّد باقر مصدّق

دوره ماندگار توسعه
محمّد باقر مصدّق

ضربه سخت
محمّد باقر مصدّق

گزینه‌های فزاینده
محمّد باقر مصدّق

روایت دینا پندری
محمّد باقر مصدّق

شکاف حکمرانی
محمّد باقر مصدّق

دوره ماندگار توسعه
محمّد باقر مصدّق

ضربه سخت
محمّد باقر مصدّق

گزینه‌های فزاینده
محمّد باقر مصدّق